

فقه اسلامی

من یرود الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

او را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُنُقَدَةً
مِن لِّسَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کره!
او زما امر (درسالت) راته آسان کره! او زما
له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په
خبرو (نبه) وپوهیږي"

جولای 2019

شوال 1440

شماره دو و صد شصت دو

مسائل و احکام فقهی حق امامت

تعدادی از برادران ما راجع به حق امامت و همچنان آیا شخصی میتواند نماز جمعه را دو بار و در دو مسجد امامت نماید سؤال نموده اند .

حق داشتن امامت را فقه اسلامی اینطور شرح میدهد :

بهترین همه در حفظ قرآن و فهم آن . اگر در این مورد تعدادی مساوی بودند بهترین شان در فهم سنت و اگر در این مورد مساوی بودند قدیمترین همه در هجرت و اگر مساوی بودند بزرگترین همه در سن .

رسول الله صلی الله علیه و سلم می فرمایند :

(لا یحل لرجل یؤمن بالله والیوم الآخر أن یؤم قوما الا باذنهم و لا یخص نفسه بدعوة دو نهم فان فعل فقد خانهم) . برای مردیکه به خدا و روز قیامت ایمان دارد اجازه نیست قوم یعنی مردم را امامت کند مگر با اجازه ایشان و نباید دعوت را حق خود و مختص بخود بشمارد و اگر اینطور نمود بحق مردم خیانت میکند .

امامت کدام شخص صحیح است:

امامت بینا برای نا بینا و نشسته برای ایستاده و ایستاده برای نشسته , وضودار برای تیمم دار و تیمم دار برای وضو دار , مسافر برای مقیم و مقیم برای مسافر , فاضل برای غیر فاضل زیرا حضرت عمرو بن سلمه شش سال عمر داشت که امامت قوم خود را نمود و حضرت محمد صلی الله علیه و سلم

دو مرتبه أم مکتوم را بنیابت خود برای نماز تعیین نمود و أم مکتوم نا بینا بود .

در فقه قاعده عمومی است که هر شخصیکه نمازش برای خودش صحیح باشد برای دیگران امامت وی صحیح است .

کسیکه امامت اش صحیح نیست:

شخصیکه عذر داشته باشد یعنی باد از وی خارج شود و مریضی تسلسل بول داشته باشد .

کراهیت امامت شخص فاسق :

قبلا اشاره شد که هر شخصیکه نمازش برای خودش صحیح است امامت وی برای دیگران نیز صحیح میباشد بدلیل اینکه عبدالله بن عمر رضی الله عنهما در عقب حجاج نماز اداء کرد و أبو سعید عقب مروان و عبدالله بن مسعود عقب الولید به عقبه که شراب نوشیده بود نماز را چهار رکعت اداء نمود نماز خواند و همچنان تعدادی از صحابه و تابعین عقب ابن ابی عبید که متهم به الحاد بود نماز خواندند .

با این هم اقتداء عقب امام فاسق را علماء اجازه نمیدهند . بطور مثال شخصی در حضور حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم در محراب آنحضرت تف نمود , پیغمبر فرمود که در عقب این شخص نماز نخوانید و بعد از وفات آنحضرت هیچکس برایش اجازه نداد که امامت کند و برایش میگفتند که تو خدا و پیغمبر خدا را اذیت نمودی .

فقهای هر چهار مذهب اهل سنت و جماعت اتفاق کامل دارند که خطبه شرط صحت نماز جمعه است. همچنان فقهاء در دو شرط دیگر خطبه جمعه با هم اتفاق نظر دارند :

(1) بعد از داخل شدن وقت نماز جمعه باشد (یعنی قبل از داخل شدن نماز جمعه نباشد).

(2) خطبه قبل از نماز جمعه میباید.

تعدادی از خواهران و برادران ما از کشور ناروی در مورد سقط جنین از فقه اسلامی توضیحات میخواهند که بخدمت شان تقدیم میگردد.

آیا اسلام قبل از بعثت حضرت محمد صلی

الله علیه و سلم بود ؟

« ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا ، و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین * آل عمران: 67 . ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی و لیکن حنیف (پیرو دین حق) مسلمان بود ، و نبود از جمله مشرکین .

دکتور یوسف القرضاوی جواب میدهد :

الحمد لله ، و الصلاة و السلام علی رسول الله ، و علی آله و صحبه ، و من اتبعه إلى يوم الدين ، و بعد : اسلام یعنی تسلیم کردن رو و قلب برای خداوند عز و جل ، یعنی تنها عبادت نمودن خداوند سبحانه و عدم شریک ساختن کسی و یا چیزی در عبادت او تعالی . خداوند سبحانه تمام انبیاء را برای عبادت مبعوث و برای همه ای ایشان کتاب نازل فرمود باین معنی که اسلام دین تمام انبیاء است .

دین انبیاء اسلام است و لذا خداوند سبحانه و تعالی می فرماید : « و ما أرسلنا من قبلك من رسول إلا نوحی إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون * الانبیاء: 25 . و نه فرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری الا وحی می فرستادیم بسوی وی که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش من کنید . و تمام انبیاء آمدند برای اصل این دعوت یعنی دعوت به وحدانیت ، دعوت

پس انسان فاسق کوشش کند که امامت نکند و اگر اصرار نماید نماز گذاران حق دارند ویرا از امامت منع نمایند .

در کراهیت ادای نماز احادیث زیادی آمده که شخص نباید امامت یک قوم را بکند که آن قوم وی را خوش ندارند و کراهیت باید اساس آن کراهیت با اساس دین باشد نه شخصی و دنیوی و اسباب شرعی داشته باشد .

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم درین مورد می فرمایند :

(ثلاثة لا یقبل الله منهم صلاة: من تقدم قوما و هم له کارهون، و رجل أتى الصلاة دبارا و رجل عتبد محرره) سه دسته از مردم خداوند نماز شان را قبول نمیکنند : شخصیکه مردم وی را خوش ندارند لیکن برای امامت پیش میشود، شخصیکه برای نماز میآید لیکن وقتیکه وقت آن گذشته میباید یعنی در آمدن به جماعت تأخیر میکند ، شخصیکه غلام خود را بعد از آزادی آن به غلامی بگیرد .

آیا زن امامت کرده میتواند ؟

امامت در نماز جماعت که زنان و مردان حضور داشته باشند از حق مرد است و لیکن اگر زنان تنها باشند یک زن میتواند امامت کند چنانکه بی بی عائشه رضی الله عنها و بی بی أم سلمه با زنان جماعت کردند و حضرت رسول الله صلی الله علیه و سلم أم و رقه را امر نمودند تا برای زنان آذان بدهد .

قسمت دوم سؤال :

بلی یک نفر میتواند در دو مسجد خطبه جمعه را بدهد لیکن نمیتواند در هر دو مسجد امامت نماید زیرا در بار اول امامت او برای نماز فرض است و نماز دومش نقل میباید و فرض مقتدیان در عقب امامی که نیت نقل کرده باشد صحت ندارد .

قضائی نماز جمعه :

سؤال: من به نماز جمعه رسیده نتوانستم، آیا نماز جمعه را قضائی بخوانم ؟

جواب: (الفتاوی) کسیکه بسبب عذر شرعی نماز جمعه را حاضر شده نتوانست نماز ظهر را بخواند .

سؤال: آیا خطبه در نماز جمعه شرط حتمی است ؟

جواب: از مجمع فقهاء الشریعة بأمریکا :

(شاگردان و پیروان خاص عیسی) گفتند، ما انصار خدائیم (مدد گاران دین خدا) ایمان بخداوند داریم و گواهی ده که ما تسلیم فرمان او (تعالی) هستیم. جادوگران فرعون زمانیکه ایمان آوردند گفتند: «ربنا افرغ علينا صبرا وتوفنا مسلمین * الأعراف: 126». ای پروردگار ما بر ما بریز بر ما شکیبائی و قبض ارواح ما کن در حالیکه مسلمان باشیم. و سیدنا سلیمان وقتیکه برای بلقیس نامه فرستاد بعد از بسم الله نوشت: «ألا تعلقو علی و أتونی مسلمین * النمل: 31». باین مضمون که تکبر مکنید بر من بیائید پیش من مسلمان شده.

اسلام دین تمام انبیاء است و جمیع انبیاء مردم را به اسلام دعوت کردند و اسلام که خداوند برای محمد صلی الله علیه وسلم فرستاد ختم تمام ادیان سماوی است و اسلام آمد تا تکمیل و تمام سازد تمام ادیان را و همچنان تصحیح کند ادیان ما قبل خود را که در آن نواقص و زیادت پیش شده بود. سیدنا محمد صلی الله علیه وسلم برای اتمام یا تکمیل تمام کتب و تصحیح آن مبعوث شد. و دین محمد صلی الله علیه وسلم دین تمام انبیاء است و سیدنا ابراهیم علیه السلام نه یهودی بود و نه نصرانی چنانکه قرآن می گوید: «ما کان ابراهیم یهودیا و لا نصرانیا و لکن کان حنیفا مسلما و ما کان من المشرکین * آل عمران: 67». ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی و لیکن حنیف (پیرو دین حق) مسلمان بود، و نبود از جمله مشرکین.

اسلام عبارت از مجموع عقاید و اخلاقیات است که انبیاء همه به آن معتقد بودند و همچنان اصول محرّمات که انبیاء از آن امت خود را منع نموده بودند و تشریعات فرعی. و تشریعات نظر به شرایط زمان و نسلها تفاوت دارد و خداوند در مورد تشریعات می فرماید: «لکل جعلنا منکم شرعة و منهاجا * المائدة: 48». برای هر گروهی از شما مقرر ساخته ایم شریعتی و راهی..... و شریعت اسلام همه شرائع ما قبل خود را منسوخ ساخت و شریعت اسلام شریعت خالد و برای هر زمان و مکان است.

به عبادت خداوند و اجتناب از طاغوت. و برای این اصل خداوند می فرماید: «إن الدین عند الله الاسلام * آل عمران: 19». بی شک که دین پسندیده نزد خداوند اسلام است. و دین نزد خداوند فقط اسلام است نه غیر. خداوند در این مورد می فرماید: «و من یتبع غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه، و هو فی الآخرة من الخاسرین * آل عمران: 85». و هر که غیر از اسلام دینی اختیار کند پس هرگز از وی پذیرفته نشود و او در آخرت از زیان کاران است.

از همین جا است که حضرت نوح علیه السلام شیخ مرسلین برای قوم خود می گوید: «فإن تولیتهم فما سألتکم من أجر، إن أجری إلا علی الله و أمرت أن أكون من المسلمین * یونس: 72». پس اگر اعراض کردید (یعنی از گفته من چه زیان) پس نخواسته بودم از شما هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر خدا و فرموده شد مرا که باشم از مسلمانان.

حضرت ابراهیم می گوید: «إذ قال له ربه أسلم قال أسلمت لرب العالمین، و وصی بها ابراهیم بنیه و یعقوب: یا بنی إن الله اصطفی لکم الدین فلا تموتن إلا و أنتم مسلمون * البقرة: 131 - 132». آنگاه که پروردگارش به وی گفت بفرمان خدا منقاد شو، عرض کرد تسلیم فرمان پروردگار عالمیانم * ابراهیم و یعقوب بفرزندان شان در مورد تسلیم بفرمان خداوند توصیه نمودند که ای فرزندان، خداوند برای شما دین (اسلام) را برگزید (تا زنده اید پیوسته از آن پیروی کنید) و هرگز نمیرید مگر که مسلمان باشید.

و حضرت موسی به قوم خود گفت: «یا قوم إن کنتم آمنتم بالله فعلیه توکلوا إن کنتم مسلمین * یونس: 84». و گفت موسی ای قوم من اگر ایمان آورده اید بخدا پس بروی توکل کنید اگر مسلمان هستید.

حواریون اصحاب سیدنا عیسی گفتند: «آما بالله و أشهد بأنا مسلمون * آل عمران: 52». حواریون

بازگشت به دین

روش و سیر حوادث جهانی در رابطه به تغییرات اجتماعی و سیاسی و اقتصادی بسوی بازگشت به دین در حرکت است و نقش دین در حیات عمومی مردم برآزنده تر شده می‌رود.

نظریه و فلسفه سیکولریزم جهانی در سالهای شصت قرن بیستم به بالاترین درجه ارتقاء یافت و در مقابل نقش دین و دینداری در اکثر نقاط جهان بدرجات متفاوت در حرکت بود. اگر نقش دین در حیات انسان ملاحظه و بررسی دقیق شود دیده می‌شود که دینداری در جهان نسبت به گذشته بیشتر شده و نسل جوان به دین نزدیکتر شده می‌رود. بازگشت به دین و دینداری فقط برای مسلمانان نیست و پیروان ادیان مختلف از نصف قرن گذشته به طرف دین نزدیک شده و عودت به دین و دینداری شامل اوضاع سیاسی و اجتماعی در اروپا و امریکا و نقاط دیگر جهان گردیده.

تحقیقات که از طرف (مرکز المستقبل للأبحاث و الدراسات المتقدمة) صورت گرفته و در شماره 29 مجله این مرکز تحت عنوان «بعد از سیکولریزم»، Post Secularism» به نشر رسیده. محققین در این تحقیق اکثر کشورهای جهانی را بررسی نموده‌اند.

تحقیق نشان می‌دهد که با آغاز عصر تقدم علمی در اروپا نوع از انواع مبارزه علیه نفوذ کلیسا و جایگاه دین در جامعه آغاز شد و مردم علیه حاکمیت دین بالای فکر و سیاست و اقتصاد و عموماً حاکمیت کلیسا بالای عقل را نفی کردند. در عصر تنویر مفکوره (مرگ دین، Death of God) را فیلسوف المانی بنام «فریدریک نیتشه Nietzsche 1844-1900» بوجود آورد. او عقل انسان را مرکز حرکت تاریخ دانست و علیه کلیسا مبارزه را آغاز نمود و برای آزادی فکر از قید کلیسا فلسفه سیکولریزم را که جدائی دین از زندگی عمومی مردم است معرفی کرد.

مفهوم سیکولریزم در غرب مرادف به تجدید و نوآوری شناخته شد و مفهوم دین تقلید و عقب‌گرائی معرفی شد. هواداران فکر تجدید و معاصر بودن انتظار داشتند که جامعه جدید و فکر جدید دور از دین تمام ضروریات و احتیاجات معنوی و مادی انسان را برآورده می‌سازد و ضرورت به دین برای رفع ضرورت‌های معنوی و مادی نیست. غربی‌ها باین باور و عقیده بودند که در مرور زمان دین از جامعه خارج می‌شود اما خلاف انتظار و توقعات در مرور زمان دین به جامعه برگشت و حتی کشورهای که از فشار و خشونت علیه دین استفاده کردند در نهایت به ناکامی رسیدند.

فکر و فلسفه کمونیزم در عده از کشورها مثل اتحاد جماهیر شوروی و چین تطبیق عملی شد. زعمای کمونست روس و چین ایدئولوژی لادینی کمونستی را به قوت در جامعه تطبیق کردند و نه تنها دین را از زندگی مردم جدا ساختند بلکه علیه دین جنگ را اعلان کردند و دین را بنام افیون ملت‌ها معرفی کردند و هر عملی که صبغه دینی داشت آنرا منع کردند لیکن در نهایت فلسفه کمونیزم سقوط و دین در جامعه و بین مردم باقی ماند.

علامه بازگشت دین در حیات عمومی:

ظاهره و علامه بازگشت به دین متعدد است و مساحت بزرگ را در زندگی عمومی و اجتماعی و سیاسی جامعه احتوای می‌کند. میتوان ظاهره و علامه بازگشت به دین را به نقاط ذیل خلاصه کرد:

1) بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و نظام کمونستی در اواخر قرن بیستم، زعمای جدید روسیه برای هویت جدید مردم روسیه اعتماد کامل به دین کردند و نظام معاصر و جدید در روسیه کوشش نمود تا ملت روسیه را زیر خیمه و نام ارتوڈکس دین مسیحی و تاریخ دینی ارتوڈکی جمع کنند و هویت دینی جدید سبب شد که حکومت

بازگشت به دین /

ملیون مهاجر جدید که درخواست ویزه مهاجرت خواسته اند اکثریت شان را مسلمانان می سازند.

عامل مهم و اساسی مخالفت با اسلام و مسلمانان در اروپا و قیام احزاب راست افراطی و احزاب قومی دعوت به عدم قبول مسلمانان بصفت مهاجر خوف و ترس از ارتقاء دین در بین مسلمانان در اروپا است. احزاب راست افراطی و قومی برای مبارزه با مسلمانان شعار (اشغال مسلمانان از اروپا) را بلند کردند. در بین این احزاب حزب بدیل برای جرمنی، حزب دیموکراتیک سویدن، حزب آزادی در اتریش، حزب رابطه شمال در ایتالیا و جبهه ملی در فرانسه زیر شعار اشغال مسلمانان از اروپا قدرت بیشتر یافتند.

مخالفت با اسلام و پیام احزاب مهم در اروپا عقیده دینی عیسوی را تقویت نمود و دین هویت برای مردم اروپا شناخته شد و از هویت دینی احزاب شرق اروپا وسیله برای توحید ملت اروپا شرقی استفاده کردند. (4) در ولایات متحده آمریکا از اواسط قرن بیستم و بعد از انتخاب رونالد ریگان حرکت دینی قوت بیشتر یافت و در عهد جورج بوش پسر، سیاست حمایت صهیونی در فلسطین به دلیل حمایت دینی بیشتر شد و در عهد ترامپ سیاست و روش دینی و دینداری به اوج کمال رسید.

(5) در چین تا هنوز حزب کمونست به قدرت است با اینکه حزب کمونست چین به دین اعتراف ندارد اما اخیراً به دین بودائی و کاتولیک و پروتستان و اسلام اعتراف کرد. در سالهای اخیر دینداری در بین مردم چین بیشتر شد و راپور هایی رسمی نشان میدهد که در حدود 350 میلیون پابندی کامل به دین دارند و مؤسسه آزادی دین در آمریکا راپور میدهد که در حدود 650 میلیون در چین از دین پیروی میکنند و در این اواخر حکومت چین با روش دینداری از اعتدال کار گرفت.

روسیه کشور هایی همسایه مثل اوکراین و جورجیا را بنام دین متحد سازد و در نظام جدید بعد از سقوط نظام کمونیسم دین مرجع شرعی شناخته شد و رئیس پوتین از هویت دینی جدید استفاده کرده جزیره قرم (Crimea) را به دلیل اینکه باشندگان آن با مردم روسیه در دین مشترک اند اشغال کرد. در تاریخ روسیه پرنس فلادیمیر در قرن دهم میلادی قبائل سلافیه را بنام عیسویت متحد ساخت و روسیه بزرگ را تأسیس نمود.

(2) در اروپا رابطه با دین به اوج کمال خود رسید و اکثر مردم اروپا خود را بصفت عیسوی معرفی کردند و حتی آنانکه پابندی کامل به دین عیسویت نداشتند خود را عیسوی گفتند. در انگلستان در حدود 70 درصد خود را مسیحی می دانند در حالیکه 18 درصد پابندی به دین دارند. در ایتالیا در حدود 80 درصد خود را عیسوی می دانند و در حدود 40 درصد پابندی به دین عیسویت دارند.

باشندگان وسط اروپا با مقارنه با غرب اروپا پابندی بیشتر به دین دارند مثلاً در بلغاریا بیشتر از 59 درصد دیندار اند.

(3) ترس و خوف سیاستمداران اروپا به دلیل قلت باشندگان عیسوی و ازدیاد تعداد مسلمانان در قاره اروپا در نتیجه مهاجرت مسلمانان است. ازدیاد تعداد مسلمانان معادله سیاسی و اجتماعی را در اروپا تغییر داده. تحقیقات نشان میدهد که هویت عیسویت بین سالهای 2010 و 2015 در نتیجه وفات پیروان عیسوی در اروپا و عدم تولد جدید عدد عیسویان به شش میلیون کاهش یافت و تنها در جرمنی در حدود یک میلیون و 400 هزار در نتیجه وفات و عدم تولد کمتر شد. با مقارنه به تعداد عیسویان در بین سالهای 2010 و 2015 تعداد مسلمانان دو میلیون بیشتر شد و همچنان سه

بازگشت به دین /

تکفیر کرد و عده به امر کلیسا زندانی شدند در مقابل اسلام احترام علماء را بالای مردم واجب ساخت.

سبب عقب‌گرائی و عقب‌ماندن کشورهای اسلامی از مدنیت دوری مسلمانان از اسلام و حکومت‌های مستبد و فاسد در طول تاریخ است و همچنان عدم توجه علماء در مسائل فقهی برای قضایای معاصر می‌باشد.

با تمام قیودات و جنگ‌ها که علیه اسلام صورت گرفت و با عقب‌ماندن مسلمانان از مدنیت معاصرو فساد نظامها در جهان اسلام، مردم به دین علاقه قوی دارند و دین اسلام در پرتو آزادی بسرعت در پیشرفت است ما شاهد نشر اسلام در افریقا و در امریکا و اروپا در بین طبقهٔ تعلیم یافته هستیم و اسلام به اکثر سؤالات و ضروریات مردم در جهان آزاد جواب میدهد در حالیکه کلیسا و فلسفهٔ سیکولریزم از جواب‌دادن عاجزاند.

اسلام بسرعت نسبت به ادیان دیگر در حالت نمو است و تعداد مسلمانان در این عصر یک میلیارد 800 میلیون تخمین شده و 24.1٪ باشندگان زمین مسلمان هستند و 31.2٪ را عیسویان می‌سازند و گفته میشود که در سال 2060 تعداد مسلمانان نزدیک به تعداد عیسویان می‌شود.

دین اصیل و صحیح در قلوب مسلمانان جا دارد و تا هنوز دین نقش اساسی را در نظام جامعه بازی میکند. با اینکه کشورهای اسلامی اکثراً مستعمره شدند و نظامهای سیکولریزم تا مدتی حکومت داشت اما امروز دین در حیات سیاسی و اجتماعی مسلمانان نقش اولیه را دارد.

بیداری اسلامی در جهان اسلام به مقارنه با بازگشت به دین در اروپا سبقت دارد و به سالهای هفتاد قرن گذشته میرسد. حرکت‌های تجدید و اصلاح در جهان اسلام که از نصف قرن 18 بنام (وهابی در جزیره

راپورهایی رسمی و وسائل اجتماعی نشان می‌دهد که دینداری و پابندی به دین در اروپا به اوج خود رسیده. حجاب و ریش و رفتن به مساجد و گرفتن روزه بغیر از رمضان در بین جوانان مسلمان نسبت به گذشته در اروپا بیشتر شده است و در حال حاضر هیچ قریه در اروپا نیست که در آن مسجد نباشد.

دین و دینداری بین مسلمانان در کشورهای اسلامی:

جهان غرب نظریات سیاسی را از تجربه‌های تاریخی و فکری که در جامعه اروپا بود استخراج کرد. تطبیق نظریات سیاسی غربی در جهان اسلام از نظر منهج علمی و اساسات علمی ناممکن است زیرا هر جامعه از خود تاریخ و روش فکری مستقل و هویت خاص بخود دارد، از جانب دیگر جهان اسلام با جهان غرب مسیحی فرهنگ و ثقافت و تاریخ مشترک ندارد که از آن در مسائل اجتماعی و سیاسی استفاده شود لذا تطبیق عملی تجربه‌های دینی و سیاسی غرب در شرق اسلامی به ناکامی انجامید و این به این معنی نیست که شرق اسلامی نمی‌تواند و یا اجازه ندارد از پیشرفت علمی و علوم معاصر غرب استفاده نکند بشرطیکه برای استفاده شرایط اجتماعی و هویت اسلامی مد نظر باشد.

مبارزه و انقلاب علیه دین و جدائی دین از جامعه در غرب به سبب عدم توافق بین علوم معاصر و نظریات دینی در کلیسا بود در حالیکه اسلام پیروان خود را به دانش و آموختن علم امر میکند لذا ممکن نیست دین را از جامعه اسلامی جدا ساخت.

اسباب انقلاب بالای دین و جدا ساختن دین از حیات عمومی در جهان غرب غیر منطقی است که بالای اسلام تطبیق شود زیرا اسلام امر به آموختن علم و آبادی زمین می‌کند. در غرب علماء و بزرگان تقدم علمی را کلیسا

بازگشت به دین /

مدرسه دیوبند

مدرسه دیوبند در قریه دیوبند ، در بدو تأسیس مدرسه عربیه اسلامیة نام داشت.

مدرسه دیوبند از روش علمی معصوم بن شیخ احمد کابلی سرهندی پیروی میکرد. بنیانگذار دارالعلوم دیوبند ، امام محمد قاسم بن اسد علی صدیقی نانوتوی از علمای ربانی ، مجدد و متفکر قرن سیزدهم هجری است . امام محمد قاسم برای فراگیری علوم اسلامی در محضر مولانا علی نانوتوی (متوفی 1297) زانوی زد و علوم حدیث را از محضر مولانا عبدالغنی مجددی دهلوی (متوفی 1296) فراگرفت.

مدرسه دیوبند برای هدف حمایت علوم اسلامی و مبارزه با استعمار انگلیز در هند تأسیس شد و بعد از مدت بسیار کوتاه به دانشگاه اسلامی تبدیل شد. اهداف تأسیس دارالعلوم در اولین اساسنامه آن:

1. آموزش قرآن و سنت و تفسیر و عقاید و علم کلام و سایر علوم.
 2. تربیت طلاب بر اساس اعمال و اخلاق اسلامی و دمیدن روح دین در زندگیشان.
 3. اقدام به تبلیغ دین و حفاظت و دفاع از آن با زبان و قلم.
 4. تلاش برای جلوگیری از مداخله حکومت در امور دینی و صیانت از آزادی و استقلال علم و اندیشه.
 5. تأسیس مدارس و مکاتب دینی در جاهای مختلف به هدف نشر علوم اسلامی و ایجاد ارتباط بین آنها و دارالعلوم.
- دارالعلوم با اساس مذهب حنفی و کلام ماتریدی بود. بزرگان مدرسه دارالعلوم در اعتقادات ماتریدی مذهب و در فقه حنفی مذهب اند. بزرگان مدرسه به تمام طریقه های صوفی احترام داشتند مثل چشتیه ،

العرب ، سنوسی در شمال افریقا ، المهدیه در سودان ، افغانی و مدرسه سید جمال الدین افغانی ، نورسیه در ترکیه ، ماشومی در اندونسیا ، اخوان المسلمین در جهان اسلام و جماعت اسلامی در قاره هند و جمعیت علماء در الجزائر نمونه های از بیداری مسلمانان در قرنهای گذشته است.

به همین ترتیب حرکت های اصلاحی و مشروطه خواهی در جهان شیعه نیز صورت گرفت.

تحقیقات که المستقبل به نشر رسانیده است نشان میدهد که در حدود 93٪ از باشندگان شرق میانه مسلمانان اند و بین 78.4٪ تا 93.3٪ باشندگان این منطقه خود را دیندار و متدین معرفی میکنند مثلاً در لبنان 78.4٪ ، تونس 80.8٪ ، الجزائر 88٪ ، فلسطین 92٪ ، مغرب 92.2٪ ، مصر 96.6٪ و اردن 97.3٪ در جمله کسانی اند که به دین رابطه قوی و مستحکم دارند.

اسلام نقش اساسی را در حفاظت و هویت امت دارد و همچنان مبارزات مسلمانان در مقابل اشغال و استعمار از باب هویت اسلامی و حفظ آن بود و امروز مبارزات علیه اشغال اسرائیل و دفاع از بیت المقدس منشی آن دین است.

آنانکه کوشش به تطبیق سیاست های ضد دین در جهان اسلام دارند و اراده دارند که اسلام را از حیات اجتماعی و سیاسی مسلمانان جدا سازند باید بدانند که اسلام در اعماق قلوب مسلمانان داخل است و دانشمندان در جهان غرب و جهان اسلام در پی پلان گذاری بعد از سقوط سیکولریزم و بازگشت به دین هستند و راه و روش بهتر و خوب آن است که با مسلمانان از راه صلح و آرامش معامله داشت و اجازه داد تا اسلام در مدنیت بعد از سیکولریزم و کمونیزم نقش خود را ایفاء کند و در ساختن تاریخ و آینده امت اسلامی نقش داشته باشد.

مدرسه دیوبند /

بنام شرح الفقه الاکبر که از ابو حنیفه است تألیف نموده است.

در روش و منهج علمی ماتریدی عقل مقام بالاتر را دارد تا درجه ای که در شرع شریف اعتماد به عقل میکند نه به نقل و در مسأله عقائد مصدر واحد نزد ماتریدی نقل است. او همچنان معتقد است که عقل بجانب نقل مصدر است با اینکه عقل مصدر مهم نزد ماتریدی می باشد بانهم معتقد است که به عقل آن چیز گرفته میشود که مخالف شرع نباشد و اگر مخالف شرع باشد عقل در کار نیست.

نظریات و آراء امام ماتریدی علماء را در قرن سوم و چهارم به خود مشغول ساخته بود و بعضی علماء نظریات ماتریدی را نزدیک به نظریات و آراء معتزله می دانند در حالیکه علمای مذهب حنفی به این عقیده اند که ماتریدی نظریات و آراء امام ابو حنیفه را تفصیل میداد ..

(برای معلومات بیشتر مراجعه شود: فضل غنی مجددی « مطالعه تمهیدی در فقه حنفی و جعفری- توافق و تفاوت).

دعوت

از خواهران و برادران گرامی دعوت می نمائیم صدقات شانرا برای تقویت نشرات فقه اسلامی ارسال نموده در این عمل خیر شریک باشند. ادامه نشر و توزیع فقه اسلامی ارتباط مستقیم به کمک های شما دارد.

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A

Tel (510) 979 – 9489

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

قادریه و نقشبندیه و سهروردیه . آنان شاه ولی الله دهلوی را بزرگ خود می دانند .

khatertakfir.com/fa/Mainstreaming/view/1301

مدرسه دیوبند در سال 1867 میلادی تأسیس یافت .
مدرسه دیوبند اصولا پیروان مکتب فکری شاه ولی الله دهلوی به شمار می رود و شاه ولی الله دهلوی از روش مدرسه سرهند و ابن تیمیه پیروی میکرد .

www.nooraf.tv/1396/05/3

امام محمد بن محمد بن محمود الماتریدی

امام الماتریدی در قریه ماتریدی یکی از قریه های سمرقند در اواسط قرن سوم تولد یافت و در سال 333 بعد از هجرت وفات نمود. ماتریدی علوم فقه حنفی و علم کلام را نزد نصر بن یحیی بلخی متوفی 278 تعلیم گرفت.

علمای افغانستان در اصول دین تابع نظریات امام ماتریدی و در فروع دین تابع مذهب امام ابو حنیفه بودند . مذهب حنفی را علماء و مردم افغانستان از امام ماتریدی گرفتند .

علمای مذهب حنفی متفق النظر اند که تمام نظریات و آراء ماتریدی در اصول فقه و عقائد موافق به آراء امام ابو حنیفه می باشد بدین لحاظ علمای مذهب حنفی نظریات و آراء امام ابو حنیفه را در عقائد اصل و عقائد امام ماتریدی را فرعی از اصل می دانند. ماتریدی کتب ابو حنیفه مانند: « الفقه الاوسط ، رساله امام برای البتی ، العالم و المتعلم ، وصیت امام برای یوسف بن خالد » را روایت نموده و درین رساله ها ثابت نموده که عقائد اش گرفته شده از عقائد امام ابو حنیفه است. ماتریدی ثابت می سازد که قضایای شرعی به ادله عقلی و برهان ثابت است و در این مورد کتاب های متعدد تألیف نموده است . علماء ثابت ساخته اند که ماتریدی کتاب